

تلاش در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

## الدَّرْسُ الْأُولُ (درس اول)

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظَّلَمَاتِ وَالنُّورَ﴾

الأنعام / ١

سپاس خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و نور را قرار داد.

ذاکَ هُوَ اللَّهُ او همان خداست.

أَنْظُرْ لِتْكَ الشَّجَرَةِ ذاتِ الْغُصُونِ النَّضِيرَةِ

به آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه بنگر.

كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه ازدانه‌ای روییده و چگونه درختی شده است؟

فَابْخُثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

پس جستجو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می‌آورد؟

وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَتَعِرَةً

وبه خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است بنگر.

حَرَارَةً مُنْتَشِرَةً فِيهَا ضِياءً وَ بِهَا

در آن نور هست و به کمک آن گرمای پراکنده هست.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوَّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا همچو پاره آتش پدید آورد؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْهِ مِنْهُمْ شَرَرَةً

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَيْرِ وَ قُدرَةٍ مُقتَدِرَةٍ

دارای (حکمت) دانشی کامل و نیروی توانایی است.

نُظُرٌ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أُوجَدَ فِيهِ قَمَرٌ

به شب بنگر؛ پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورده است؟

وَ زَانَةٌ بِأَنْجُمٍ كَالْمُنْتَشِرَةِ

و با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست؟ (زینت داد)

وَ انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرًا

وبه ابر نگاه بنگر؛ پس چه کسی بارانش را از آن فرو فرستاد؟  
(نازل کرد)

فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ أَغْبَرٍ رَّأِيَ خَضْرَةً

زمین را پس از تیره رنگی (غبارآلودگی) سرسیز ساخت؟

وَ انْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ

و به انسان بنگر و بگو چه کسی بینایی را در او پدید آورده است؟(شکافت)

مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقِوَّةٍ مُّفْتَكِرَةٍ

چه کسی اورا به نیرویی اندیشمند مجھز کرد؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي مُنْهَمِ—رَهُ أَنْعَمَ—هُ مُنْهَمِ—رَهُ

آن همان خدایی است که نعمتهايش ریزان است.

آللَّدَرْسُ الثَّانِي (درس دوم )

«إِنْكُمْ مَسْؤُلُونَ «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى عَلِيهِ السَّلَامُ قطعاً شما مسئول هستید.

کانَتْ سُمِيَّةٌ بِانتِظارِ الْدَّيْنِهَا لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ اِنْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ، سُمِيَّهُ پس از پایان ساعت کار مدرسه برای بازگشت به خانه منتظر مادرش بود.

وَ كَانَتْ حُجْرَاتُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَ مَا يَقِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا جَمْعٌ قَلِيلٌ مِنْ زَمِيلَاتِهَا؛ وَ كَلاسَهَايِ (اتاق-های) مدرسه بسته بود، و کسی جز عده کمی از همکلاسیها یش در مدرسه نبود.

وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمَدْرَسَاتِ يَنْتَظِرُنَ أَنْ تَفَرَّغُ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ. و مدیر مدرسه و برخی از معلم‌ها منتظر بودند که مدرسه از دانش آموzan خالی گردد.

عِنْدَئِنِ سَمِعَتْ سُمِيَّةٌ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، وَ شَاهَدَتِ الْمَصَابِيحَ مِنَ النَّوَافِذِ، در این هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاقها شنید، و چراگها را از دور دید.

فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفٌّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حَرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ، وَجَدَتِ الْحُجْرَةَ فَارِغَةً.

گمان کرد که دانش آموzan کلاسی دیگر در کلاس تقویتی هستند، یا مشغول فعالیت آزاد هستند؛ و آن گاه که با دقیقت نگاه کرد، اتاق را خالی یافت.

حاوَلَتْ فَتْحَ الْبَابِ، فَوَجَدَتْهُ مُغْلَقًا، فَذَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سُمِيَّةِ إِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

سعی کرد در را باز کند، و آن را بسته یافت و در نتیجه به سوی مدیر رفت و او را از آنچه دیده بود باخبر کرد، مدیر از او تشکر کرد و از سمیه درخواست کرد (خواست) چراگها و کولر را خاموش کند.

عِنْدَئِنِ شَاهَدَتِ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةٍ؛ كَانَتْ فَاطِمَةٌ تَذَهَّبُ لِإِغْلَاقِ حَنَفَيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.

در این هنگام مدیر دانش آموزی به نام فاطمه را دید؛ این دانش آموز (داشت) برای بستن شیرآبی که کمی باز بود می‌رفت.

وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِي، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ فِي الِاصْطِفَافِ الصَّابَحِيِّ سُمَيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لَا هُتَمَامٍ هُمَا بِالْمَرَاقِقِ الْعَامَّةِ.

و در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صف صباحگاه از سمية و فاطمه به خاطر توجه آنها به تأسیسات عمومی سپاسگزاری کرد.

وَ فِي حِصَّةِ الْعِلُومِ اِلَاجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقَيَّةُ وَ سَأَلَتِ الْمُدَرِّسَةَ:

و در زنگ دانش اجتماعی سمية برخاست واز معلم پرسید:

«مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَاقِقِ الْعَامَّةِ الَّتِي تَكَلَّمَتِ الْمُدِيرَةُ عَنْهَا هَذَا الصَّبَاحَ؟»

منظور از تأسیسات عمومی ای که خانم مدیر امروز صبح درباره اش صحبت کرد چیست؟

فَأَجَابَتْ: «الْمَرَاقِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمَتَّلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعاً إِذَا فَهِمْتِ مَعْنَاها، فَإِذْ كُرِيَ لَنَا أُمَثِلَةً لِلْمَرَاقِقِ الْعَامَّةِ.»

وی پاسخ داد: تأسیسات عمومی جاهایی است که دولت مالک آن است، و همه مردم از آن سود میبرند. اگر (هرگاه) معناش را فهمیدی برایمان برای تأسیسات عمومی مثالهایی ذکر کن.

أَجَابَتْ رُقَيَّةً: «الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَافِتُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشَفَاتُ وَ الْمُسْتَوْصَفَاتُ وَ الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكَتَبَاتُ وَ دَوَارَاتُ الْمَيَاهِ وَ الْحَدَائِقِ الْعَامَّةِ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمَدَةُ الْكَهْرَبَاءِ...»

رقیه پاسخ داد: مدرسه ها، تلفنهای عمومی، بیمارستانها، موزه ها، کتابخانه ها، سرویسهاي بهداشتی، درختان کنار پیاده رو و تیرهای برق...

أَجَابَتِ الْمُدَرِّسَةُ: «أَحَسِنْتِ، وَ الْحِفَاظُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَاقِقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ»

خانم مدیر پاسخ داد: آفرین بر تو و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی(هم میهنی) واجب است.

سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعْجِبٍ: «لَمْ وَ كَيْفَ؟ ذِلِكَ وَاجِبُ الدَّوْلَةِ»

دختران دانش آموز(دانش آموزان) با شگفتی پرسیدند: چرا و چگونه؟! این(آن) وظيفة دولت است.

**قالَتِ الْمُدَرِّسَةُ:** «بَلْ هِيَ مَسْؤُلِيَّةُ مُشَتَّرٍ كَهُ، فَسُمَيَّةُ الَّتِي قَامَتْ بِإِطْفَاءِ الْمُكَيْفِ وَالْمَصَابِحِ فِي حُجْرَةِ الْمَدَرَسَةِ؟

خانم مدیر گفت: البته که مسئولیتی مشترک است، سمیه که به خاموش کردن کولر و چراغها در کلاس (اتاق) مدرسه اقدام کرد؛

**وَفَاطِمَةُ الَّتِي أَعْلَقَتْ حَنَفِيَّةَ الْمَاءِ وَالْطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمَدَرَسَةِ فَتُحَافِظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَعَلَى نَظَافَةِ الْكُتُبِ وَتَرْتِيبِهَا،**

و فاطمه که شیرآب را بست و دانش آموزی که وارد کتابخانه مدرسه می شود و آرامش آن و پاکیزگی کتابها و ترتیب آنها را حفظ می کند؛

**وَتُلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَاهَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ ۵۰۷۸۰ لَاءِ يَعْمَلُنَ بِوَاجِبَاتِهِنَّ كَمُواطِنَاتٍ يَشْعُرُنَ بِالْمَسْؤُلِيَّةِ.**

و آن (دانش آموزی که) کسی را که زباله درغیرجای مناسب می اندازد نصیحت می کند؛ اینها مانند شهروندانی که احساس مسئولیت می کنند به وظیفه شان عمل می کنند.

**قَامَتْ سُمَيَّةُ وَقَالَتْ:** «أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَهُ لَوْحَهُ جِدَارِيَّهُ مَكْتُوبٌ عَلَيْهَا هَذَا الْحَدِيثُ الشَّيْفُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى عَلِيهِ السَّلَامُ:

**إِنَّكُمْ مَسْؤُلُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ.**

سمیه برخاست و گفت: آیا مناسب نیست که یک تابلوی دیواری نوشته شود که روی آن این حدیث شریف از حضرت علی(ع) نوشته باشد: قطعاً شما مسئول هستید حتی در مورد زمین‌ها و چارپایان.

**قَبَّلَتِ الْمُدَرِّسَةُ وَقَالَتْ:** «هَذَا الْإِقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَسَنَتَعَاوَنُ جَمِيعًا عَلَى الْعَمَلِ بِهِ هَذَا الْحَدِيثِ.»

خانم مدیر پذیرفت و گفت: این پیشنهاد خوبی است و همگی برای عمل به این حدیث شریف همیاری می کنیم.

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ (درس سوم)

### مَطَرُ السَّمَكِ (باران ماهی)

هَلْ تُصَدِّقُ أَنَّ تَرَى فِي يَوْمٍ مِّنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكًا تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! آيَا بَاوْرَمِي كَنْتِ كَهْ رُوزِيْ ازْرُوزَهَا مَاهِيْهَايِي رَا بِبِينِي كَهْ ازْآسْمَانِ مِيْ رِيزِدِ؟!

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَالثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ مُسْلِمًا بَارَشْ بَارَانْ وَبَرْفَ ازْآسْمَانْ چِيزِيْ طَبِيعِيْ اسْت.

وَلَكِنْ أَيْمَكِنْ أَنَّ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظَنَّ أَنَّ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَلَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! ولی آیَا ممکن اسْت کَهْ بَارَانْ مَاهِي بِبِينِيمِ؟! آيَا گَمَانِ مِيْ كَنْتِ كَهْ اینِ بَارَانْ حَقِيقَتْ باشَدِ(اسْت) وَفِيلِمِي خَيَالِي نِيَسْتِ؟!

حَسَنًا فَانْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ. بَسِيرَخَوب؛ پَسْ بَهْ اینِ تصویرَهَا نَگَاهْ كَنْ تَا بَاوْرَ كَنْتِ.

أَنْظُرْ بِدِقَّةً؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمْطِرُ أَسْمَاكًا. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ (مَطَرُ السَّمَكِ)

بَهْ دَقْتْ نَگَاهْ كَنْ؛ افتادَنْ مَاهِيْهَا رَا ازْآسْمَانْ مِيْ بِينِيْ؛ گَويِي ازْآسْمَانْ مَاهِيْهَا مِيْ بَارَند. مردم اینِ پَديده طَبِيعِي رَا بَارَانْ مَاهِي مِيْ نَامَند.

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوابًا. يَحْدُثُ (مَطَرُ السَّمَكِ) سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهَنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيَكَا الْوُسْطَى.

اينِ پَديده مردم را سالهای طولانی حیران کرده است و پاسخی برایش نیافته‌اند باران ماهی سالانه در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی رخ می‌دهد.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أَحْيَا نَا. فَيُلَاحِظُ النَّاسُ عَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَرَعْدًا وَبَرْقًا وَرِياحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَر.

اينِ پَديده احياناً دوبار در سال رخ می‌دهد. و مردم تکه ابر سیاه بزرگی ورعد وبرق و بادهایی قوی وباران شدیدی را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می‌کنند.

لَمْ تَصِحِّ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَتَنَاهُلُهَا. حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةً سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيْبَةِ؛

سپس زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود، و مردم آنها را برای پختن و خوردن آن‌ها می‌برند. دانشمندان برای شناخت راز این پدیده‌ی عجیب تلاش کرده‌اند.

**فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِّزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَالتَّعَرُّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هِذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ،**

و گروهی را برای دیدن محل و شناختن ماهی‌هایی که بعد از این بارانهای شدید بر زمین می‌افتد فرستادند.

**فَوَجَدُوا أُنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنَتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَّنَوْعٍ وَّاحِدٍ، وَلِكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أُنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمَيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ**

و آنها دریافتند که همه ماهی‌های پخش شده روی زمین از یک ندازه و یک گونه هستند ولی شگفت این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند.

بَلْ بِمَيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتَيْ كِيلُومُترٍ عَنْ مَحَلٍ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ .

بلکه متعلق به آب‌های اقیانوس اطلس هستند که به فاصله‌ی دویست کیلومتر از محل سقوط ماهی‌ها دور هستند.

ما هو سبب تشكيل هـ ذـهـ الظـاهـرـةـ؟ دليل تشكيل اين پـديـدـهـ چـيـسـتـ؟

يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَعِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.

گرباد شدیدی رخ می‌دهد و ماهی‌ها را با قدرت به آسمان می‌کشد و به جای دوری می‌برد و وقتی سرعتش را از دست می‌دهد ماهیها بر زمین می‌افتد.

يَحَتَّفُ النَّاسُ فِي الْهُنْدُورَاسِ بِهِذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيُسَمَّونَهُ (مِهْرَاجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ). فَانْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الشَّمَرَاتِ رِزْفًا لَكُمْ. (آلَبَقَرَةِ) ۲۲

مردم در هندوراس هر ساله این روز را جشن می‌گیرند و آن را « جشنواره‌ی باران ماهی » می‌نامند و (خداآوند) از آسمان آبی را فرو فرستاد و به کمک آن از شمره‌ها روزی برایتان خارج ساخت.

## الدّرْسُ الرّابِعُ (درس چهارم)

### الْتَّعَايْشُ السَّلْمِيُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرْءُواهُ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْأِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

رسالت اسلام در گذر زمان بر پایه منطق و دوری کردن از بیادبی استوار است . زیرا خداوند می فرماید.

﴿وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ إِذْ دَفَعَ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَانَهُ وَلَيْ حَمِيمٌ﴾ فُصِّلَتْ : ٣٤

نیکی و بدی برابر نیستند با شیوه ای که بهتر است [بدی را] دفع کن پس آنگاه (می بینی) کسی که بین تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَا يَسْبُوَا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ

همانا قران به مسلمانان دستور می دهد که بتهای (خدایان) (مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقُولُ: وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُبُوا اللَّهَ... ﴿الأنعام ١٠٨﴾

و آن (قران) می فرماید: کسانی را که به غیر خدا فرامی خوانند دشنام ندهید که خدا را دشنام خواهند داد.

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدِيَانَ الْأَلَّا هِيَّهُ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا﴾ ﴿آل عمران ٦٤﴾

اسلام به ادیان الهی را احترام می گذارد؛ (ای پیامبر) بگو: ای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم.

يُؤْكِدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرْيَّةِ الْعَقِيْدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهٌ فِي الدِّينِ...﴾ ﴿البقرة ٢٥٦﴾

قران بر آزادی عقیده تاکید می کند. هیچ اجباری در دین نیست.

لا يجُوزُ الْأَصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدُوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايَشًا سِلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاظِ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدِيهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرّوم: ٣٢

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی را جایز نیست، به خاطر اینکه کسی از آن سود نمی برد، بر همه مردم لازم است (همهی مردم باید) که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا هر حزب و گروهی به آنچه دارد، دلشاد است.

**آلِّيَّادُ الْأَسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخَلَّفُ فِي لُغَاتِهَا وَأَلْوَانِهَا.**

کشورهای اسلامی مجموعه‌ای از ملت‌های بسیار است که در زبان و رنگ فرق می‌کند.

قالَ اللَّهُ تَعَالَى: خداوند تعالی (بلند مرتبه) فرموده است:

**﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَقَاءِكُم﴾ الْحُجَّرَاتُ ۱۳**

ای مردم ما شما را از یک مرد وزن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید قطعاً گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیز‌گارترین شماست.

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرستاده خدا (ص) فرموده است:

**(يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَ لَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَ لَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَ لَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدٍ إِلَّا بِالْتَّقْوَى )**

ای مردم بدانید که خدای شما یکی است و پدرتان یکی است قطعاً نه هیچ عربی بر غیر عرب برتری دارد و نه هیچ غیر عربی بر عرب نه هیچ سیاهی بر سرخ و نه هیچ سرخی بر سیاه مگر با تقوی و پرهیز گاری.

**يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَنْفَرُّقُوا...﴾ آل عمران ۱۰۳**

قران ما را به وحدت و یکپارچگی دعوت می‌کند. و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

**يَتَجَلَّ أَتْحَادُ الْأَمَمَةِ الْأَسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجَّ.**

یکپارچگی امت اسلامی در شکل‌های زیادی جلوه گر می‌شود. از جمله جمع شدن مسلمانان در یک محل در حج.

**الْمُسْلِمُونَ خَمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاخَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.**

یک پنجم ساکنان جهان مسلمانان هستند در پهناهی گسترده‌ای از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قالَ الْأَمَامُ الْخَمْيَنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفْرِقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالَمٌ  
يُحَاوِلُ بَثَ الْخِلَافَ بَيْنَ صُفَوْفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی که خدا رحمتش کند فرمود: هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد. پس بدانید که وی نادان است یا دانایی است که برای گسترش اختلاف در بین صفوف مسلمانان تلاش می کند.

**وَقَالَ قَائِدُنَا آيَةُ الْخَامِنَىٰ:** ورهبرمان آیت الله خامنه ای فرمودند:

**مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَيِ التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلٌ لِلْعَدُوِّ.**

هر کس از شما شخصی را بینید که به تفرقه دعوت می‌کند پس وی مزدور دشمن است.

الدَّرْسُ الْخَامسُ (دَرْسٌ يَنْجِمُ)

\* (این خلقت خداوند است) \* **لقمان ۱۱** ﴿هذا خلقٌ اللّٰهُ﴾

الْعَوَّاصِونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيَلًا، شَاهَدُوا مِئَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ ذَاتَ الْوَانِ مُتَعَدِّدَةِ الَّتِي يَنْبَغِيُّ صَوْرُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضَيَّةِ،

غواصانی که شبانه به أعماق (ژرفای) اقیانوس رفته‌اند، صدها چراغ برقی با رنگ‌های متعدد را دیده‌اند که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود. (تابیده می‌شود)

وَتَحُولُ ظَلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْعَوَاصِنَ الْتَّقَاطَ صُورَ فِي أَصْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.

و تاریکی در پا را به روزی روش تبدیل می کنند که غواصان در آن می توانند در نور این ماهی ها عکس بگیرند.

إِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الضَّوَاءَ تَنْبَعَثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضَيِّئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيْنَيْنِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ.

دانشمندان کشف کرده‌اند که این روش‌نایی‌ها از گونه‌ای باکتری درخشنایی زیر چشم‌ان این (آن) ماهی‌ها زندگی می‌کنند ارسال می‌شود.

**هل يمكن أن يستفيد البشر يوماً من تلك المعجزة البحريّة، ويستعين بالبكتيريا المضيئّة لإنارة المُدُن؟**

آیا ممکن است که روزی بشر از این(آن) معجزه‌ی دریایی استفاده کند و بتواند برای روشن کردن شهرها از باکتری درخشنان یاری بجوید؟

**رَبِّما يَسْتَطِعُ ذلِكَ، لَا إِنَّهُ مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ**

چه بسا بتواند ، زیرا " هر کس چیزی را خواست و تلاش کرد ، یافت ". (زیرا هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند ، می یابد).

**إِنَّ لِسانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طِبِّيٌّ دَائِمٌ، لَا إِنَّهُ مَمْلُوٌّ بِغُدْدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْقُطُّ جُرْحَةً عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَئِمَ.**

بی گمان ، زبان گربه سلاح پزشکی همیشگی است ؛ زیرا آن پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می کند ، پس گربه چندین مرتبه زخمش را می لیسد تا زخمش بهبود یابد .

**إِنَّ بَعْضَ الطَّيْورِ وَالْحَيَوانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِّيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعَشَبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوِقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلَفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هِذِهِ الْحَيَوانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِ الطَّبِّيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.**

قطعا برخی از پرندہ ها و حیوانات بنا به طبیعتشان گیاهان دارویی را می شناسند . و می دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری های مختلف بکار گیرند ؛ و این حیوانات انسان را به خواص درمانی بسیاری از گیاهان صحرایی و مانند آن راهنمایی کرده‌اند .

**إِنَّ أَعْلَبَ الْحَيَوانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاكِهَا لِلْغَةِ خَاصَّةٍ بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَّمَ مَعَ بَعْضِهَا،**

قطعا اغلب حیوانات علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود ؛ زبان عمومی دیگری دارند که به واسطه آن می توانند با هم دیگر به تفاهم برسند ،

**فَلِلْعَرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنْ مِنْطَقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزَلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.**

پس کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به سایر حیوانات هشدار می دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند . پس آن مانند جاسوسی از جاسوس های جنگل است .

**لِلْبَطِّ خِزانَاتُ طَبِيعَيَّةٍ بِالْقُرْبِ مِنْ أَذْنَابِهَا تَحْتَوَى زَيْتاً خَاصَّاً يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسادِهَا فَلَا تَنَاثِرُ بِالْماءِ.**

اردک نزدیک دم هایش انبارهای طبیعی دارد که روغن خاصی را در بر دارد که بر بدنها یاشان (اجسامشان) پخش می شود پس تحت تأثیر آب قرار نمی گیرد.

تَسْتَطِيعُ الْحِرَباءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اِتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحْرِكَ رَأْسَهَا وَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اِتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

آقتاب پرست می تواند چشمانتش را به جهت های مختلف بچرخاند بدون آنکه سرش را حرکت دهد و آن می تواند همزمان دوطرف را ببیند.

لَا تَتَحرَّكُ عَيْنُ الْبُوْمَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النَّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَتَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحْرِكَ جِسْمَهَا.

چشم جغد حرکت نمی کند ، و آن ثابت است ، اما اواین نقص را با حرکت دادن سرش به هر جهتی جبران می کند و می تواند که سرش را کاملا بچرخاند بدون این که جسمش را حرکت دهد .

### الدَّرْسُ السَّادِسُ (درس ششم)

#### الْمَعَالِمُ الْخَلَابِيَّةُ (آثار جذب)

إِنَّ إِيْرَانَ مِنْ الدُّولِ الْجَمِيلَةِ فِي الْعَالَمِ وَالْمَسْهُورَةِ بِالْكَثِيرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابِيَّةِ وَالْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ وَالْقَافِيَّةِ؛ وَفِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تَجَذِّبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ.

ایران از کشورهای زیبای جهان و مشهور به بسیاری از مناطق جذب و آثار تاریخی و فرهنگی است و در آن صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از همه جهان جذب می کند.

شَهَدَتْ إِيْرَانُ فِي السَّنَوَاتِ الْآخِيرَةِ نُمُواً مَلْحوظًا فِي السِّيَاحَةِ، فَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحَصَّلْ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى تَرَوِيَّةٍ عَظِيمَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ. يَرَى بَعْضُ السَّائِحِينَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَلَاتِ.

ایران در سالهای اخیر رشد قابل ملاحظه ای را در گردشگری شاهد بوده است . ایران میتواند از گردشگری ثروت عظیمی را پس از نفت به دست بیاورد برخی گردشگران ایران را سرزمینی عالی برای گذراندن تعطیلات می بینند.

قَامَتْ مُنَظَّمَةُ الْيُونِسْكُو بِتَسْجِيلِ مُدْنٍ وَمَنَاطِقَ ثَقَافِيَّةٍ وَتَارِيْخِيَّةٍ إِيْرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؛ لِأَنَّهَا تَجَذِّبُ كَثِيرًا مِنَ السَّائِحِينَ إِلَيْهَا.

سازمان یونسکو به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی اقدام کرده است؛ زیرا ایران بسیاری از گردشگران را به سوی خود جذب می کند.

مِنَ الْأَثَارِ وَالْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ فِي إِيْرَانِ: از آثار و نشانه های تاریخی ایران:  
آنار برسبولیس و مقبره تا حافظ و سعدی فی مُحَافَظَةِ فَارِس، آثار پرسپولیس و دو آرامگاه حافظ و سعدی در استان فارس

و طاق بستان و کتیبه بیستون فی مُحَافَظَةِ كِرْمَانْشَاه، و طاق بستان و کتیبه بیستون در استان کرمانشاه  
و مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرِّضا عَلَيْهِ السَّلَامُ و مَرْقَدُ الْفَرِيدُوسِ فِي مشهد، و مرقد امام رضا و مرقد فردوسی در مشهد  
و مَرْقَدُ السَّيِّدَةِ مَعْصُومَةِ بِمَدِينَةِ قَمِ، و مرقد بانو معصومه(س) در شهر قم  
و قَلْعَةُ فَلَكِ الْأَفْلَاكِ فِي خُرَّمِ آبَادِ، و قلعه فلك الافلاك در خرم آباد  
و قَلْعَةُ الْوَالِيِّ وَغَابَاتُ الْبَلَوَطِ فِي إِيلَامِ؛ و قلعه والی و جنگلهای بلوط در ایلام  
و حَمَامُ كَنْجَعَلِيِّ خَانِ فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانِ الْمَشْهُورَةِ بِإِنْتَاجِ الْفُسْتُقِ وَ السَّجَادِ،  
و حمام گنجعلی خان در استان کرمان مشهور به تولید پسته و قالی

و شَلَّاتُ شُوشَتِرِ وَمَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيَالِ (ع) فِي خُوزِسْتَانِ، و آبشارهای شوشتر و آرامگاه دانیال پیامبر در خوزستان،

و مَرْقَدُ ابْنِ سِينَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي الْعَالَمِ، وَ كَهْفُ عَلَى صَدَرِ وَهُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكَهْوَفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي همدان،

و مرقد ابن سینا دانشمند نامدار جهان و غار علیصدر از بزرگترین غارهای آبی جهان در همدان  
و العمارَاتُ الْأَثَرِيَّةُ فِي إِصْفَهَانِ وَ قَدْ سَجَّلَتْهَا مُنَظَّمَةُ اليونيسکو الدُّولَيَّةُ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ،  
وساختمان های تاریخی در اصفهان که سازمان جهانی یونسکو آن را در لیست میراث جهانی ثبت کرده است.

أَمَّا الْمُحَافَظَاتُ الشَّمَالِيَّةُ الْثَّلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزوِينِ (Caspian) فَرَائِعَهُ بِمَنَاظِرِهَا الْجَمِيلَةِ، فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلْبِطَاقَاتِ الْبَرَيْدِيَّةِ، وَ كَانَهَا قِطْعَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ.

اما استانهای شمالی سه گانه بر ساحل دریای مازندران به خاطر چشم اندازهای زیباییشان جالب هستند. آنها مناسب برای کارت پستالها و گویی تکه ای از بهشتند.

لابد مِنْ تَأْلِيفٍ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذْبِ السِّيَاحِيِّ فِي إِيْرَانِ، نَذْكُرُ قِسْمًا آخرَ مِنْهَا:  
برای برشمردن مناطق دارای جاذبه گردشگری در ایران ناگزیر به نوشن کتابی بزرگ هستیم، بخش دیگری از آنها را ذکر میکنیم:

يَزَدُ وَ حَلَوْيَا تُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ، يَزَدُ وَ شِيرَيْنِي جَاتُ وَ مَنَاطِقُ صَحَراَيِي اَشْ وَ تَبَرِيزُ وَ سَوقُهَا الْمَسْهُورُ بِأَكْبَرٍ سَوقٌ مُسَقَّفٌ فِي الْعَالَمِ، فِيهِ مَكَانٌ وَاسِعٌ لِبَيْعِ السَّجَاجِيدِ وَ الدَّهَبِ.  
تبریز و بازار مشهورش که بزرگترین بازار سقفدار جهان است و در آن جایی وسیع برای فروش فرش و طلا وجود دارد.

وَ مَدِينَةُ قَائِنِ بَلْدُ الدَّهَبِ الْأَحْمَرِ الزَّعْفَرَانِ، وَ شَهْرٌ قَائِنٌ شَهْرٌ طَلَائِي سَرْخِ زَعْفَرَانٍ  
وَ غَابَةُ حَرَاءِ فِي جَزِيرَةِ قِشْمٍ، وَ جَنَّلُ حَرَاءً در جزیره قشم  
وَ الشَّاطِئُ الصَّخْرِيُّ لِمِينَاءِ شَابَهَارِ، وَ سَاحِلُ صَخْرَهِ اَيْ بَنْدَرِ چَابَهَارِ  
وَ كَهْفُ سَهْوَلَانِ فِي مَهَابَادِ، وَ بَحْرِيَّةُ زَرِيبَارِ فِي مَرِيَوانِ، وَ قَبَّةُ سُلْطَانِيَّةُ فِي زَنجَانِ، وَ مُتَحَفُّ التُّرَاثِ الرِّيفِيِّ  
قُرْبَ رَشتِ، وَ بُرْجُ مِيلَادِ فِي طَهْرَانِ،

وغار سهولان در مهاباد، دریاچه زریبار در مریوان، گنبد سلطانیه در زنجان، موزه روستایی نزدیک رشت و برج میلاد در  
تهران

وَ الْأَنْهَارُ وَ الشَّلَّالَاتُ وَ الْغَابَاتُ وَ الْعَيْونُ فِي يَاسِوجِ وَ شَهْرِكُرْدِ، وَ رُودُهَا، أَبْشَارُهَا، جَنَّلُهَا وَ چَشْمُهَا در یاسوج و  
شَهْرَكُرد

وَ الطَّرِيقُ السِّيَاحِيُّ بَيْنَ مَدِينَتَيْ أَسَالِمِ وَ خَلْخَالِ، وَ رَاهُ گَرْدَشَگَرِي مِيَانَ دُو شَهْرِ اَسَالِمِ وَ خَلْخَالِ  
وَ حَدِيقَةُ بِشْ قَارَدَاشِ فِي مَدِينَةِ بُجْنُورَدِ، وَ بُوْسَتَانِ (جَنَّل) بِشْ قَارَدَاشِ در شَهْرِ بُجْنُورَدِ  
وَ غَابَةُ أَبْرَ (السَّحَابِ) فِي شَاهْرُودِ، وَ سَوقُ أَرَاكِ، وَ قَلْعَةُ الْمَوتِ، وَ مُتَحَفُّ دِلَوَارِي فِي بُوشِهِرِ وَ آلَافُ الْمَنَاطِقِ  
الْآخِرِيِّ.

و جنگل ابر در شاهروود، بازار اراك، قلعه الموت، موزه دلواری در بوشهر و هزاران منطقه دیگر  
فَتَنَوْعُ مَعَالِمِ إِيَرَانِ وَ اسْتِقْرَارُ الْوَضِيعِ الْأَمْنِيِّ فِيهَا يُشَحِّجُ السَّائِحِينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْهَا لِرُؤْيَةِ جَمَالِ آثارِهَا وَ  
طَبَيْعَتِهَا الْخَلَابِيَّةِ.

تنوع آثار ایران و استقرار وضعیت ایمن، گردشگران را به سفر به ایران برای دیدن زیبایی آثار و طبیعت جذابش تشویق  
میکند.

الدَّرْسُ السَّابِعُ (درس هفتم)

صِنَاعَةُ النَّفْطِ : صنعت نفت

**کَيْفَ نَحَصِلُ عَلَى النَّفْطِ؟** چگونه نفت را به دست می آوریم؟

يَسْتَخْرِجُ اَلْانْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الارضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الاوْقَاتِ يَسْتَغْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ  
الْحَفْرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.

انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند و گاهی این استخراج وقت بسیاری می گیرد؛ زیرا حفر در طبقات صخره هاست.

فِي إِيْرَانَ تَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الارضِ؛ بِلَادُنَا عَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَ الْغَازِ وَ هِيَ تُصَدِّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ  
الصَّنَاعِيَّةِ.

در ایران ثروتهای بسیاری درون زمین وجود دارد. کشور ما سرشار از نفت و گاز است و بخشی از آنها را به کشورهای صنعتی صادر می کند.

عَرَفَ اَلْانْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الارضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوْقُودٍ وَ لِمَعَالَجَةِ  
الامراضِ الْجِلْدِيَّةِ.

انسان نفت را از دیرباز شناخته است و آن را از سطح زمین جمع می کرد و به عنوان سوخت و برای درمان بیماری های پوستی از آن استفاده میکرد.

يَحْفِرُ الْعُمَالُ بِئْرًا وَ يَضَعُونَ أَنْبُوبًا فِيهَا يَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِمَفَاتِيحِ.

انسان چاهی را حفر می کند و در آن لوله ای می گذارد. نفت به وسیله لوله بالا می رود. لوله با کلیدهایی باز و بسته میشود.

نَقلُ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنَابِيبِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقلِهِ بِنَاقِلاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقلِ النَّفْطِ بِوَاسِطَةِ الْأَنَابِيبِ عَبْرَ  
الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَخَدِمُ آلاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبَقَّى الْأَنَابِيبُ سَالِمَةً.

انتقال نفت از راه لوله ها کم خطرتر و کم هزینه تر از انتقال آن از راه نفتکش هاست و برای آسان سازی انتقال نفت به وسیله لوله ها از سراسری ها دستگاههای کاهش فشار استفاده میشود تا لوله ها سالم بمانند.

إِيْرَانَ تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنَابِيبِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّولِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحِهَا فِي  
مَدِ خَطُوطِ الْأَنَابِيبِ وَ صِيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِينِ اِلَانتِاجِ إِلَى أَمَاكِينِ اِلَاستِهْلاِكِ.

ایران تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت از راه لوله دارد و از بزرگترین کشورهای صادر کننده نفت و موفق ترین آنها در کشیدن خطوط لوله و نگهداری آنها از مکان های تولید تا مکان های مصرف است.

عَلَى امْتِدَادِ الْأَنَابِيبِ تَوَجَّدُ أَعْمِدَةُ اِتصالاتٍ كَمَحَطَّاتٍ إِنْذَارٍ، وَ لَوْحَاتٌ تَحْذِيرِيَّةٌ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ تُحَذَّرُ  
الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الارضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلِّزْرَاعَةِ؛

در امتداد لوله ها دکل های مخابراتی به عنوان ایستگاه های هشدار وجود دارند و تابلوهای هشدار به رنگ زرد هم میهنان را از کندن برای ساخت ساختمان یا کشاورزی بر حذر میدارد؛

وَتَجِبُ عَلَىٰ كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَةٌ هٗ ذِي الْأَنَابِيبِ وَالاتِّصَالِ بِالشَّرِكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطَرِ.

و برهه هم میهنان واجب است که از این لوله ها نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت (خطوط لوله و مخابرات شرکت نفت) تماس بگیرد.

نَحَصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَىٰ مُسْتَقَاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبِنْزِينِ وَالرُّزْبُوتِ؛ وَلِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرٌ فِي الصَّنَاعَةِ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَاطُ وَالْعَطْوَرُ وَالاَدْوِيَةِ وَمُبَيِّدَاتُ الْحَشَرَاتِ، وَمَوَادُ التَّجْمِيلِ وَمَعْجُونُ الاسنَانِ وَالسَّمَادُ الْكِيمِيَاوِيُّ وَغَيْرُهَا.

از نفت فرآورده های بسیاری مانند بنزین و روغن به دست می آوریم و نفت در صنعت استفاده دیگری دارد، از آن پلاستیک، عطر، دارو، حشره کش، مواد آرایشی، خمیر دندان، کود شیمیایی وغیره ساخته می شود.

كَيْفَ يَنْقُلُ النَّفْطُ وَإِلَى أَيْنَ؟ يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْبَارِ أَوِ الْمَوَانِئِ إِلَى الْمَصَافِي عَبْرَ الْأَنَابِيبِ.

نفت چگونه و به کجا انتقال داده میشود؟ نفت از چاهها یا بندرها به پالایشگاهها از راه لوله ها منتقل میشود.

ثُمَّ تَنْقُلُ النَّاقِلاتُ مُسْتَقَاتِ النَّفْطِ مِنَ الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوَقْدِ فِي الْبِلَادِ.

سپس نفتکش ها متشتقات نفت را از پالایشگاه ها به ایستگاه های سوخت در کشور انتقال میدهند.

### الدَّرْسُ الثَّامِنُ (درس هشتم)

#### صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ صنعت تلميع درادیبات فارسی

إِنَّ الْلُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَالْأَحَادِيثِ وَالْأَدْعِيَةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعُرَاءُ الْأَيْرَانِيُّونَ وَأَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أُبِيَّاتًا مَمْزُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسِيَّةِ وَسَمَوَهَا بِالْمُلْمَعِ؛

قطعا زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست و بسیاری از شاعران ایرانی از آن استفاده کرده اند و برخی از آنها ابیاتی را آمیخته به عربی و فارسی سروده اند و آن را ملمع نامیده اند؛

لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعُرَاءِ الْأَيْرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافظُ الشِّيرازِيُّ وَسَعْدِيُّ الشِّيرازِيُّ وَجَلالُ الدِّينِ الرُّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوَاؤِيِّ.

بسیاری از شاعران ایرانی ملمعاتی دارند از جمله : حافظ شیرازی و سعدی شیرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی.

## \*\*مِلْمَعُ حَافِظِ الشِّيرازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ (مِلْمَعُ لِسَانِ الْغَيْبِ حَافِظِ شِيرازِي)

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرَكِ الْقِيَامَةِ

از خون دل نوشتیم نزدیک دوست نامه

نامه ای با دل خونین برای محبوهم نوشتیم "که من روزگار را در دوری تو مانند قیامت دیدم "

لَيْسَتْ دُمْوعُ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْغَلَامَةِ؟

دارم من از فِرَاقْش در دیده صد علامت

من از دوری او صدها نشانه در چشم دارم ، " آیا اشک های این دوچشم من ، نشانه و علامت برایمان نیست ؟ "

مَنْ جَرَبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةِ

هر چند کازمودم از وی نبود سودم

هرچه که تجربه کردم ، از جانب او فایده ای به من نرسید " هر کس آزموده را بیازماید ، پشیمانی نصیبیش می شود "

فِي بَعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبَهَا السَّلَامَةِ

پرسیدم از طبیبی احوال دوست گفتا

از طبیبی درباره احوال محبوهم سوال کردم ، گفت : " در دوری و هجرانش رنج وعداب و در نزدیکی اش سلامتی و آسایش است "

وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلَا مَلَامَةِ

گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم

گفتم اگر زیاد به دوست مشغول شوم مورد سرزنش واقع می شوم " به خدا سوگند که ما عشقی را بدون ملامت و سرزنش ندیدیم "

حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأسًا مِنَ الْكَرَامَةِ

حافظ چو طالب آمد جامی به جان

شیرین

حافظ درازاء دادن جان شیرین خواستار جامی شده است ، " تا ازان (دادن جان) ، جامی از کرامت عشق بچشد "

## \*\*مِلْمَعُ سَعْدِيِّ الشِّيرازِيِّ (مِلْمَعُ سَعْدِيِّ شِيرازِي)

تَوْ قَدْرِ آبِ چَهْ دَانِيَ كَهْ درْ كَنَارِ فَرَاتِي

سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيمُ فِي الْفَلَوَاتِ

"از آب انبارها درباره سوارانی که در بیابان ها تشننه اند بپرس . "تو قدر و ارزش آب را چه می دانی ، وقتی در کنار فرات هستی

وَ إِنْ هَجَرْتَ سَوَاءْ عَشَيْتَ وَ غَدَاتِي

شبیم به روی تو روزست و دیده ام به تو

روشن

شبم با دیدن روی تو مثل روزاست و چشمم با دیدن روی تو روشن می شود. " واگر مرا ترک کنی ، شب و روزم مساوی است "

**اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتَى**

گرچه مدت زیادی انتظار کشیدم ، اما امیدم را از دست ندادم ، " زمان گذشت و دلم می گوید که تو می آیی "

من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم اگر گلی به حقیقت عجین آب حیاتی

من انسانی به زیبایی تو نه دیده ام و نه شنیده ام ، اگر خمیر آفرینش تو از آب و گل است ، حقیقتاً آغشته به آب زندگانی است .

**شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد وَ قَدْ تُفَتَّشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ**

شب های تاریک من به امید دیدن روی تو صبح می شود " و گاهی چشمۀ حیات در تاریکی ها جستجو می شود "

جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی فَكَمْ تُمَرِّرُ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلُ شَهْدٍ

چقدر زندگیم را تلخ می کنی در حالی که تو این همه شهد و شیرینی داری ! از دهان شیرین تو جواب تلخ شنیدن زیبات است !

نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي

عاشق روی تو بودن برای ما فقط این پنج روزه عمردنیا نیست ، " اگر خاک قبرم را ببویی ، بوی عشق را می یابی "

وصافت کل ملیح کما تحب و ترضی وَصَافَتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

هر زیبا روی با نمکی را وصف کردم همانطور که دوست داری و می پسندی " ستایش های تورا چگونه بیان کنم که فراتر از وصف کردن هستی "

أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغْيِثُ وَ أَدْنُو كه هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی

از تو می ترسم و به تو امید دارم و از تو کمک می خواهم و به تو نزدیکی می جویم " که هم دامگه بلا هستی و هم کلید نجات و رهایی هستی "

أَحِبَّتِي هَجَرَوْنِي كَمَا تَشَاءُ عُدُّاتِي ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن

به دلخواه و خواست دشمن، از چشم دوست افتادم و بی ارزش شدم ، "دوستانم مرا ترک کردند همان طور که دشمنانم می خواهند"

فراخنامه سعدی عجب که در تو  
نگیرد

شگفتا شرح نامه جدایی سعدی در تو اثربنی کند! " و اگر به نزد پرندگان شکایت ببرم ، در لانه ها می گریند  
وناله سرمی دهن "

# شیوه‌نامه تأشیی در مسیر موفقیت

تلایش در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 